

نقش فرهنگ صلح و متغیرهای آزمودنی (زمینه‌ای) در خشونت خانگی خانواده‌های دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

حسن امیدوار*

خلیل میرزایی**، عالیه شکرینگی***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش فرهنگ صلح در میزان خشونت خانگی خانواده‌های شهر تهران، با تکیه بر نمونه پیمایشی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، است. روش پژوهش، به‌لحاظ هدف یا نوع پژوهش، توسعه‌ای و کاربردی است و به‌لحاظ مسیر، توصیفی و از نوع پژوهش‌های هم‌بستگی است. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بودند که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه پژوهش‌گرساخته استفاده شد که کیفیت آن از طریق سی‌وی‌آر (CVR) برای سنجش یا میانگین ۰/۸۳۷ درصد و برای پایایی ۰/۹۳۹ درصد تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل، از نرم‌افزارهای آماری لیزرل (Lisrel) استفاده شد. نتایج حاکی از این بود که نوع ازدواج و تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر در میزان خشونت تأثیر معنادار نداشت. تأثیر وابستگی پدر یا مادر به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر، قومیت پدر و مادر، مدت ازدواج، سن پدر و مادر بر میزان خشونت معنادار بود. فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن با خشونت خانگی رابطه منفی و معنادار داشت.

کلیدواژه‌ها: برساخت، خانواده، خشونت، خشونت خانگی، فرهنگ صلح.

* دکترای جامعه‌شناسی، استاد مدعو گروه‌های اجتماعی، واحد تهران مرکزی، arash1960@gmail.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن (نویسنده مسئول)

Mirzaeei_khalil@riau.ac

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ashekarbeugister@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۳۰

۱. مقدمه

پرهیز از جنگ و خشونت و دستیابی به صلح و آرامش در میان گروه‌های انسانی همواره از دغدغه‌های مهم بشر بوده است. تجربیات تلخ آسیب‌ها و آمارهای رو به افزایش خشونت و خشونت خانگی، در طی تاریخ حیات اجتماعی بشر، پیوسته توجه مصلحان و پژوهش‌گران امور اجتماعی را، برای تقویت زمینه‌های حفظ صلح و آرامش در جامعه و بنیان خانواده، جلب کرده است. ضمن توجه به این‌که خشونت و کاربرد زور تاریخچه و الگوهای اجتماعی دارد، یافته‌های نوین مطالعات مردم‌شناختی تأیید می‌کند که خشونت و کاربرد آن در جوامع به سازمان اجتماعی و آموزش اجتماعی مرتبط است. باین‌حال، باید بپذیریم که خشونت پدیده‌ای است که جامعه به‌شیوه‌ای پیچیده آن را به‌وجود می‌آورد و نتیجه عملکرد و آموزش گوناگون اجتماعی است. از این‌رو، معانی اجتماعی، هنجارها، نهادها، تضادها در رخدادن خشونت دخالت دارند.

بنابراین، اگر به‌دنبال صلح و آرامش در جامعه و خانواده خود هستیم، نخست باید در پی فرهنگ صلح باشیم؛ یعنی در ابتدا باید به‌دنبال برساخت و نهادینه‌کردن فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن در جامعه بود. به‌سخن دیگر، به صلح دست نخواهیم یافت، مگر تحول فرهنگی بنیادین در جامعه رخ دهد. جامعه‌شناسی از علومی است که مبتنی بر نوعی تعهد برای بهبود زندگی اجتماعی است. لستر وارد (Lester Ward, 1883) در *جامعه‌شناسی پویا*، جامعه‌شناسان را به هدایت ترقی اجتماعی از طریق کنش اجتماعی هوش‌مندانه دعوت کرد. او و اسمال (A. W. Small) بر این نظر بودند که فقط علوم اجتماعی می‌تواند انسان را با اوضاع جامعه جدید هم‌ساز کند و تحولاتی منظم را در پی داشته باشد. ایده «فرهنگ صلح» از رویکردهای مروج صلح و مخالف سرسخت خشونت است که مؤلفه‌های مهمی را در بر دارد و به استقرار و استمرار صلح در جهان و هم‌چنین در جامعه و نهاد خانواده کمک می‌کند.

برساخت‌گرایی یا برساخت اجتماعی واقعیت نظریه‌ای است که اصولی را در بر دارد و مطالعه و کاربرد این اصول، در موفقیت و کارآمدی مطالعات صلح و نفی خشونت، نقش انکارناپذیری خواهد داشت. از این‌رو، هم‌سویی فرهنگ صلح با برساخت‌گرایی در بازنمایی و نقد این نکته است که استفاده از خشونت پدیده فطری و طبیعی نیست، بلکه برساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است. چنان‌که خشونت برساخته و ابداع اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها برای کسب منابع کمیاب است. پس، می‌توان با بازتعریف دوباره و حذف عناصر مخرب و منفی این ابداع فرهنگی و اجتماعی (کاربرد خشونت) مؤلفه‌های فرهنگ صلح را جای‌گزین خشونت و جنگ کرد و به تحول فرهنگی دست یافت. در این مقاله، پژوهش‌گر بر آن

است تا نشان دهد که کنش‌گران می‌توانند با برساخت مؤلفه‌های فرهنگ صلح، در مواجهه با شرایط تنش‌زا، به‌جای تفکر استفاده و کاربرد خشونت، رفتارهای جانشین یا بدیل مؤلفه‌های فرهنگ صلح را هم‌چون تساهل و مدارا، تحمل، درک و فهم متقابل، دگرپذیری، احترام به حقوق همگان، گفت‌وگو و مذاکره، توانایی حل منازعات را به‌مثابه رویکردی نوین، برای نفی و کاهش خشونت و خشونت‌خانگی، پیش روی خود در جامعه و خانواده قرار دهند. بنابراین، این پژوهش بر آن است که نقش فرهنگ صلح و مؤلفه‌های مربوط به آزمودنی‌ها را بر خشونت‌خانگی کشف و بازنمود کند و راه‌کاری عملی برای رفع خشونت و آسیب‌های ناشی از آن پیش‌نهاد دهد.

۲. بیان مسئله

مبارزه با اشکال گوناگون خشونت‌طلبی و توسل به زور و آسیب‌رسانی به دیگران از دغدغه‌های اساسی جوامع در عصر کنونی است. مطالعه درباره ریشه‌ها و شیوه‌ها و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی در حوزه پژوهش جامعه‌شناختی است و با توجه به این‌که پدیده خشونت‌های خانگی تهدید بالفعل و بالقوه برای بقا و استحکام نهاد خانواده و جامعه به‌شمار می‌رود و بحران‌زاست، توجه به آن نه تنها مهم، بلکه ضروری است. گرچه گفته می‌شود که خشونت خانگی در میان اعضای خانواده رخ می‌دهد، اما مستقیم و غیرمستقیم زندگی مردم و نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. خشونت خانگی در عین خانگی بودن، امری خصوصی نیست، بلکه عمومی است. بنابراین، خشونت و پدیده خشونت خانگی بیش از آن‌چه به نهاد خانواده آسیب برساند هزینه اجتماعی در بر خواهد داشت. به همین علت، در این مقاله پژوهش‌گر می‌کوشد تا اثبات کند که در شرایط کنونی، جامعه و نهاد خانواده بر اثر فشارهای اقتصادی، فضای بسته سیاسی، کاهش اعتماد اجتماعی در پی اختلاس‌ها و فساد ساختاری گسترده و رانت‌خواری به‌شدت تهدید می‌شود و سرمایه اجتماعی به مقدار درخور توجهی کاهش یافته است. از طرفی، رونق فرهنگ خشونت توأم با عناصر مخرب و کاربرد خشونت برای حل مسائل و منازعات، به‌علت کارآمدی نامطلوب قوه قضاییه، به‌هم‌راه رشد آسیب‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی، مثل فقر و اعتیاد و بی‌کاری و بزه‌کاری و طلاق، از آستانه تحمل مردم، یعنی کنش‌گران اجتماعی، به‌شدت کاسته است. مُراد این‌که درگیری‌ها و پرخاش‌گری و خشونت و خشونت‌خانگی در میان خانواده‌ها در شهر تهران افزایش یافته است. آمار شیوع گسترده خشونت‌های خانگی و میزان بالای آن که

عبارت است از میانگین ۶۶ درصد تجربه خشونت‌های خانگی در طی زناشویی در ۲۸ استان ایران، ۷۰/۱ درصد میانگین خشونت خانگی در شهر تهران این مسئله را تأیید می‌کند (قاضی طباطبایی و دیگران ۱۳۸۳: ۱۶۲).

باتوجه به مقایسه این آمار، با بالاترین درصد تجربه خشونت‌های خانگی در پژوهش‌های خارجی، که ۵۴ درصد و متعلق به اتیوپی است (فتحی ۱۳۷۸)، و کم‌ترین درصد تجربه خشونت‌های خانگی متعلق به ژاپن با ۶ درصد، به صراحت نشان می‌دهد که در شرایط نامطلوب و نگران‌کننده به سر می‌بریم. از این رو، مطالعه درباره شناخت خشونت خانگی و ابعاد آن و آشنایی با رویکردهایی هم‌چون فرهنگ صلح برای ارائه راه‌کاری فرهنگی، به منظور نفی یا کاهش خشونت، مفید و ضروری است. بنابراین مطالعه این موارد لازم است که اشاعه فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن، از جمله تساهل و مدارا، تحمل دیگری، عدم سوءظن، درک و فهم متقابل، احترام به حقوق همگان، گفت‌وگو و مذاکره، توانایی حل مسائل و منازعات، چه سهمی در میزان خشونت خانگی در شهر تهران دارد و این‌که عوامل یا متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر افزایش خشونت خانگی کدام‌اند و چه قدر مؤثرند؟

۳. اهداف پژوهش

پژوهش حاضر در میان خانواده‌های شهر تهران براساس این اهداف انجام گرفته است:

۱. بررسی نقش فرهنگ صلح بر میزان خشونت خانگی؛
۲. شناخت انواع سطوح خشونت خانگی؛
۳. بررسی رابطه گفت‌وگو و مذاکره با میزان خشونت خانگی؛
۴. بررسی رابطه اعتماد و عدم سوءظن با میزان خشونت خانگی؛
۵. بررسی رابطه برابری جنسیتی با میزان خشونت خانگی؛
۶. بررسی رابطه تحصیلات با میزان خشونت؛
۷. بررسی رابطه شغل با میزان خشونت.

۴. چهارچوب نظری

روشن‌فکران دانشگاهی و حوزه‌ای و دانش‌پژوهان و نخبگان، در طی فرایند آموزش و نقد عناصر مخرب فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نقد نظام ارزش‌ها، به اصلاح فرهنگ

با تولید و تقویت عناصر و ارزش‌های فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن مبادرت می‌ورزند. سپس، توسط مراکز آموزشی، مانند مدارس و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و حوزه، و رسانه‌ها، از جمله کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، فیلم، تئاتر، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، فرهنگ صلح را آموزش و ترویج می‌دهند. با نشر و ترویج دانش صلح و گسترش ارزش‌های فرهنگ صلح رفته‌رفته ذهنیت کنش‌گران در قبال عناصر مخرب و مرسوم گذشته، هم‌چون استبداد و خشونت، تغییر می‌یابد و در پی آن، جابه‌جایی و تغییر و تحول فرهنگ رخ می‌دهد، همان‌گونه که جابه‌جایی و تغییر و تکامل از اصلی‌ترین مفاهیم پرکاربرد در نظریه‌های تغییر فرهنگ تکامل‌گرایان در سنت انگلیسی و آمریکایی و یا داروینسم اجتماعی است (آبراهامز ۱۳۶۳: ۲۵۳).

بنابراین، فرهنگ تحول‌یافته نوین با برخورداری از مؤلفه‌های فرهنگ صلح «مبتنی بر ارزش‌های انسانی و صلح دوستی، اثر عمیق بر نظام‌های اجتماعی و شخصیتی جامعه برجای می‌گذارد. این تأثیرات بر نظام کنش افراد مؤثر واقع می‌شوند و نظام‌های نوین اجتماعی و شخصیتی بر ساخته می‌گردد که در چگونگی تغییر افراد از استفاده و کاربرد خشونت نقش داشته و به کنش‌گران رویکردهای نوینی در رابطه با مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا ارائه می‌دهد. در این خصوص، نظریه یادگیری اجتماعی بندورا حاکی از این است که برای مثال، اگر تاکنون در نظام اجتماعی، یادگیری اجتماعی بر پایه مشاهده و تجربه خشونت در دوران کودکی در جامعه، مدرسه و خانواده صورت پذیرفته است و در نتیجه رفتار خشونت‌آمیز و استفاده از خشونت برای حل منازعات در ذهن نهادینه گردیده است، حالا با تأثیرات مؤلفه‌های فرهنگ صلح مثل نفی خشونت، بردباری و شکیبایی، درک و فهم متقابل، تحمل دیگری و احترام به حقوق همگان آموخته است، که با مذاکره می‌تواند توانایی حل منازعات را به تدریج کسب نماید. از این رو، کنش‌گران دیگر برای حل تنش‌ها و منازعات به جای کاربرد خشونت و زور، با اشاعه فرهنگ صلح، می‌آموزند که باید رویکردها و مؤلفه‌های فرهنگ صلح را در ذهن خود نهادینه نمایند و در مواجهه با شرایط تنش‌زا از ظرفیت فرهنگ صلح برای حل منازعات استفاده نمایند. در نتیجه تحول فرهنگ و نهادینه شدن مؤلفه‌های فرهنگ صلح در اذهان کنش‌گران، به نظر می‌رسد استفاده و کاربرد خشونت برای حل منازعات کاهش خواهد یافت و کنش‌گران با برخورداری از مؤلفه‌های فرهنگ صلح به رویکردها و راهبردهای جدید برای حل منازعات دست یابند. در این خصوص، نظریه فرهنگی مالدینوفسکی مؤید این امر است؛ از نظر او هدف کارکرد فرهنگی در ارضای سوانق و نیازهای اساسی اعضای جامعه رؤیت‌شدنی است، زیرا گمان

بر این است که نهادها در واکنش به نیازها شکل گرفته باشند. از نظر مایینوفسکی، هرکدام از عناصر سازنده یک فرهنگ بخشی از نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کنند. نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ، بالطبع مهارت‌ها و توانایی‌های تازه می‌تواند بر میزان استفاده و کاربرد خشونت در خانواده‌ها مؤثر باشد، و به تدریج بستر کاهش و نفی خشونت برای دستیابی به اهداف خانواده را در نزد اعضای خانواده فراهم نماید، زیرا خشونت و خشونت‌خانگی مانعی برای کارکرد و دستیابی به اهداف نهاد خانواده می‌باشد» (آزاد ارمکی ۱۳۹۳: ۱۴۱).

در این باره، نظریه الگوی ساختی و کارکردی پارسونز (Parsons) به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از نقش مثبت و مناسب فرهنگ صلح بر ساخت و کارکرد نهاد خانواده به دست آوریم. الگوی نظام پارسونز یا الگوی ساختی - کارکردی تقاضاها و قابلیت‌های لازم برای برآوردن آن‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند که براساس موضوع این مقاله بدین قرارند:

سازگاری: وقتی منابع بیرونی تمام می‌شود، گروه خانواده باید قادر به یافتن منابع جدید باشد. اگر خانواده‌ها خشونت یا خشونت‌خانگی را احساس کنند، وقتی راه‌کارهای قدیمی و قوانین منسوخ می‌شوند یا کارایی خود را از دست می‌دهند، گروه خانواده باید روش‌های جدیدی را ابداع کنند که همان فرهنگ صلح است.

دستیابی به هدف: وقتی بر سر راه هدف موانعی وجود داشته باشد که در این جا این موانع همان خشونت خانگی است، گروه خانواده باید قادر باشد آن‌ها را از سر راه بردارد. وقتی اعضا مضطرب و ناکام یا پریشان‌حال می‌شوند، گروه خانواده باید قادر باشد آن‌ها را سروسامان دهد و منابعشان را بسیج کند. به سخن دیگر، قوانین حمایت از خانواده و حقوق زنان و کودکان و سال‌مندان باید برقرار باشد.

یک پارچگی: وقتی بخشی از گروه خانواده اعضای دیگر را به نابودی تهدید می‌کند، یعنی خشونت می‌ورزد، گروه خانواده باید قادر به رسیدگی و حمایت از آن‌ها باشد و هماهنگشان سازد. خانواده باید بین اعضای قوی و ضعیف، وارد و ناوارد، فعال و منفعل، و دارای از این دست ویژگی‌ها پیوندهای متفاوتی برقرار کند.

حفظ و تغییر الگو: گروه خانواده در برخورد با نیروهای مخالف باید قادر باشد رویه‌های متعارف خود را حفظ کند. احساسات و روابط عاطفی اعضایش را تقویت کند. قواعدش را اجرا کند. باورهایش را تثبیت کند. بر ارزش‌هایش تأکید ورزد و در پاسخ به ضرورت‌های داخلی و خارجی باید قادر باشد تا الگوهایش را تغییر دهد، بی‌آن‌که آن‌ها را کنار بگذارد.

نظریه مذکور از نظریه کلی اجتماعی پارسونز اشتقاق یافته است. نظریه پارسونز به حدی کلی است که می‌تواند خود به نظریات خردتری تقسیم شود. به علت این که نهاد خانواده کار ویژه‌ای را بر عهده دارد که عنصر اصلی تشکیل و تداوم حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود، از این رو، اگر نتواند وظیفه خاص خود را شایسته و مؤثر ادا کند و خشونت و خشونت خانگی مانعی باشد که نتواند کارکردها و وظایف خود را به‌درستی انجام دهد، کارکرد مطلوب خود را از دست می‌دهد و کل نظام اجتماعی را دچار اختلال می‌کند. بنابراین، پایداری و بقای خانواده رفته‌رفته از بین می‌رود و ثبات اجتماعی به‌خطر می‌افتد. از این رو، به نظر می‌رسد که ارزش‌های جدید فرهنگ صلح، در صورتی که به آن نگرشی مثبت باشد، می‌تواند بقای ساخت‌ها و سازمان‌های اجتماعی را، که در این جا نهاد خانواده است، بهبود بخشد و ضرورت خود را به‌دست آورد.

در این باره، حسین بشیریه، در تحلیلی تاریخی، فرهنگ و نگرش گروه‌های حاکم در ایران را، به دلایل تاریخی و روان‌شناختی، نگرش پاتریمونیالیستی (Patrimonialism) و سنتی (استبدادی) می‌داند که در آن ساخت قدرت رابطه‌ای عمودی و آمرانه و از بالا به پایین میان حکام و مردم است. هم‌چنین، نگرش و ذهنیت پدرسالاری، برطبق نظریه پدرسالاری، حق قدرت آمرانه را در خانواده به مردان می‌بخشد. به نظر می‌رسد که این ذهنیت بستر مناسبی برای اعمال قدرت مردان شده و زنان در روابط از این نابرابری قدرت در تنگنا به‌سر می‌برند. چنان‌چه برطبق مؤلفه‌های فرهنگ صلح رعایت حقوق همگان، برابری جنسیتی، عدالت و رفع تبعیض، نگرش حاکم در جامعه و خانواده باشد، به تدریج با نهادینه‌شدن فرهنگ صلح، این رنج و نابه‌هنجاری اجتماعی رفع خواهد شد. بنابراین، با پذیرش برابری جنسیتی و احترام به حقوق مساوی همگان، از کاربرد زور و خشونت در خانواده کاسته خواهد شد.

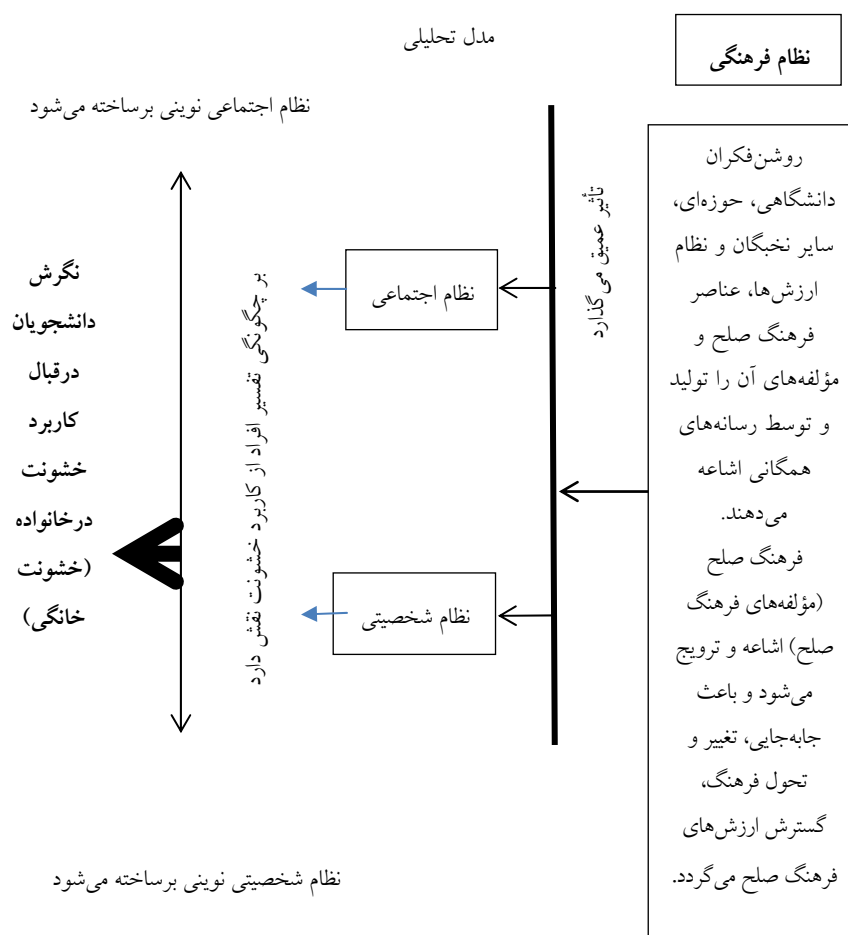
ثمره دیگر تحول فرهنگ، که حاصل جابه‌جایی فرهنگ صلح و تغییر نگرش و ذهنیت استفاده و کاربرد خشونت برای حل منازعات در بین کنش‌گران اجتماعی است، تولید و خلق ارزش‌های جدید است. از این رو، برخورداری از ارزش‌های جدید فرهنگ صلح هرگونه تفکر استفاده از خشونت برای حل منازعات در بین کنش‌گران اجتماعی را به‌شدت تقبیح و رد می‌کند و آن را دارای قبح اجتماعی و اخلاقی می‌داند و کاربرد خشونت را توسط عرف جامعه نهي و نکوهش می‌کند. بدیهی است اگر بر اثر فقدان قوانین حمایت‌گر دولتی از خانواده، مانند حقوق کودک و سالمند و زن، و نظارت‌نداشتن دولت بر خشونت خانگی استفاده از خشونت رایج شده باشد، نهادینه‌شدن فرهنگ صلح و پذیرش ارزش‌های

جدید آن به‌همراه تصویب قوانین بازدارنده از خشونت می‌تواند، همراه با رعایت حقوق مساوی افراد، به تدریج در چگونگی تفسیر افراد از خشونت تأثیر بگذارد و گامی بلند برای نفی یا کاهش خشونت قلمداد شود.

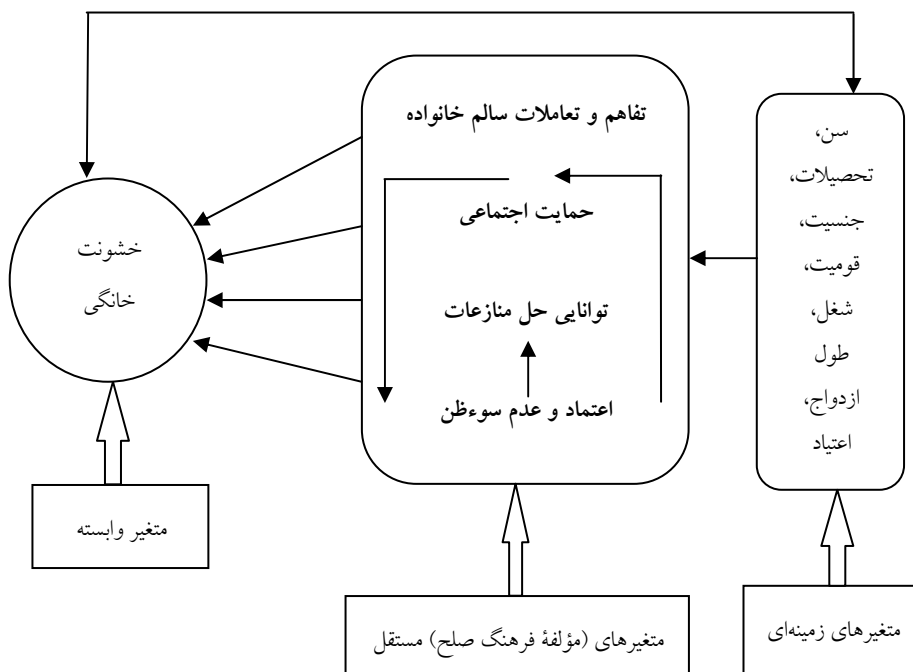
فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن با ارائه راه‌بردهای نوین و ارتقای شناخت و آگاهی مردم، از جمله دانشجویان، در نظام تفکر دانشجویان تأثیر عمیق می‌گذارد، چنان‌که این تأثیر می‌تواند نظام کنش‌های فرد را اصلاح کند و در چگونگی تفسیر وی از کنش‌های متقابل محیط به مفهوم شناخت سهم داشته باشد. یعنی بر نوع نگرش افراد در تفسیر معانی نمادها و استفاده از خشونت تأثیر بگذارد. انسان‌ها، به‌فراخور موقعیت‌های زمانی و مکانی خود، یا به‌تعبیر بلومر (Blumer)، سامان اجتماعی که پراتیک اجتماعی شدن آن‌ها در آن بر ساخته شده است، چشم‌اندازها و تحلیل‌هایی متفاوت درباره اشیا و پیرامون خود دارند. اشیاء، در نظام فکری بلومر، فقط اجسام فیزیکی نیستند و هرچه قابل اشاره است، به‌مثابه عنصری از سامان اجتماعی، دارای معناست. پس، هرچه در هستی اجتماعی است، شیئی است که از سه شکل خارج نیست و این سه عبارت‌است از فیزیکی، انتزاعی، اجتماعی (تنهایی ۱۳۹۳). پس، در زمان مدنظر پژوهش‌گر، نقش مؤلفه‌های فرهنگ صلح به‌مثابه شیئی اجتماعی قابل اشاره و مطالعه‌شدنی است. یعنی اگر در سامان اجتماعی شدن انسان‌ها، که انسان در آن بر ساخته می‌شود، مؤلفه‌های فرهنگ صلح و دوستی حاکم باشد، می‌توان به چشم‌انداز ترویج و اشاعه و بر ساخته شدن فرهنگ صلح در جامعه و نقش آن در کنش‌های مسالمت‌آمیز در میان مردم امیدوار بود. زیرا همه بر ساختنی است و ثمره کوشش ما در این راستاست. اگر در خانواده خشونت‌ورزی می‌شود، طبیعی نیست. این جهان اجتماعی را ما ساختیم، پس ما هم می‌توانیم آن را تغییر دهیم. البته، نظریه کنش متقابل نمادین بلومر بر ویژگی شکل‌پذیر و پیش‌بینی نشده روانه‌های اجتماعی و شیوه ساخته شدن دنیاهای نمادین توسط صاحبان فرهنگ تأکید می‌ورزد. در این نظریه، فرهنگ ساختاری متصلب نیست، بلکه فرایندی مداوم از شدن است. فرهنگ چون نماد و نشانه تعبیر شده است و محور اندیشه مکتب کنش متقابل نمادین شیوه مشاهده و فهم درونی کنش‌گران فرهنگ است.

خلاصه چهارچوب نظری بدین شرح است که اگر صلح نزد کنش‌گران به فرهنگ تبدیل شود و در ذهن آنان نهادینه شود و دریابند که از طریق ارزش‌های فرهنگ صلح، تساهل و مدارا، احترام به حقوق همگان، با اعتماد و عدم سوءظن، از طریق گفت‌وگو و مذاکره می‌توانند به هدف‌های خود دست یابند و یا اگر با رعایت برابری جنسیتی و پذیرش قاعده برنده - برنده به‌پیش روند، می‌توانند در تعارضات خانوادگی نیز گفت‌وگو و مدارا را

غالب سازند و مانع بروز خشونت شوند یا باعث نفی و کاهش خشونت خانگی شوند. باید توجه داشت که براساس نظریهٔ برساخت‌گرایی، ذهنیت و کنش و واکنش در موقعیت تعیین‌کننده است. از این رو، باید ذهنیت در زمان اجتماعی شدن به گونه‌ای شکل گیرد که در آن صلح به فرهنگ تبدیل شود و در برساخت واقعیت به صورت گفت‌وگویی و تعاملی عمل کند. بنابراین، با توجه به افزایش آمار خشونت‌های خانگی، به نظر می‌رسد که جابه‌جایی و تغییر و تحول فرهنگ برای پرهیز از اعمال خشونت و استقرار صلح و حفظ آرامش در نهاد خانواده از نیازهای ضروری جامعهٔ ایرانی است.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش براساس نظریهٔ پارسونز



نمودار ۲. مدل مفهومی کل پژوهش

۵. فرضیه پژوهش

فرضیه این مقاله مبنی بر این است که بین فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن و ازسویی بین متغیرهای زمینه‌ای، از جمله تحصیلات، شغل، قومیت، نوع ازدواج، اعتیاد، مدت ازدواج، سن، به مثابه عوامل تأثیرگذار در ابعاد و زمینه‌های خوشونت خانگی (روحی- روانی، کلامی)، در خانواده رابطه برقرار است.

۶. پیشینه پژوهش

حسین بشیریه استبداد و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم را از موانع مؤثر رشد و توسعه‌یافتگی فرهنگ می‌داند که حاصل نگرش استبدادی گروه‌های حاکم و به دلیل رابطه عمودی و آمرانه و از بالا به پایین حکام به مردم است. وی فرهنگ سیاسی ایران را فرهنگ تابعیت و آمریت معرفی می‌کند و فرصت‌طلبی و فردگرایی منفی و ترس‌آلود و بی‌اعتمادی را از شاخص‌های مهم برمی‌شمرد (بشیریه ۱۳۷۵).

اعزازی ویژگی پدرسالارانه ساختار اجتماعی و منابع کم‌یاب اجتماعی را، که در اختیار مردان است، دلیل بر خشونت‌های خانگی دانسته و بر این نظر است که این ویژگی پدرسالارانه ساختار اجتماعی است که خشونت مرد در قبال زن را امری طبیعی می‌داند (اعزازی ۱۳۷۷: ۴۸-۵۰).

مولاوودی مهم‌ترین علل خشونت در قبال زنان را مناسبات نابرابر میان زن و مرد و الگوهای فرهنگی برخاسته از سنت‌های غلط و عقاید قالبی متعصبان، رسانه‌های گروهی، مصرف بد مواد و الکل، عوامل موقعیتی، و ویژگی‌های شخصیتی ذکر می‌کند (مولاوودی ۱۳۷۸).

مهرانگیز کار اعمال خشونت علیه زنان را حاصل فرهنگ پدرسالارانه و نابرابری‌ها و محدودیت‌های فرهنگی برای دختران و زنان دانسته است که به نوعی تحمل خشونت نزد زنان را طبیعی و امر پذیرفته شده نشان می‌دهد. او قربانیان خشونت خانگی را ۹۰ درصد از زنان و فقط در حدود ۱۰ درصد از مردان می‌داند (کار ۱۳۸۰).

مارابی، در بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی، پذیرش خشونت و نظام پدرسالارانه و نظریه یادگیری اجتماعی را برمی‌شمرد. در پایان، نوع تازه‌شناسایی شده از خشونت در ایران را ممانعت از رشد اجتماعی و فکری و آموزشی دانسته است که در بررسی‌های کشورهای خارجی دیده نشده و یا گزارش نشده است (مارابی ۱۳۸۴).

در کشورهای خارجی از دهه ۱۹۶۰ خشونت خانوادگی در قالب مسئله‌ای اجتماعی مطرح شد و درباره آن پژوهش انجام گرفت. به همین علت، تحقیقات خارجی درباره خشونت خانوادگی، به ویژه خشونت همسران علیه زنان، فراوان است. هرچند هر پژوهش به جنبه خاصی از این مسئله و با رویکردی خاص نگریسته است، در کل درباره تمام ابعاد و جنبه‌های آن پژوهش انجام شده است.

نتایج پژوهش‌های خارجی بیان‌گر این است که خشونت خانگی پدیده جهانی است و امری خصوصی نیست، بلکه چنانچه در این باره مدیریت مطلوب و نظارت کافی اجرا نشود، می‌تواند جامعه را به پرداخت هزینه‌های گزاف گرفتار کند.

۷. روش‌شناسی پژوهش

۱.۷ روش پژوهش

نوع تحقیق و ماهیت موضوع، که بررسی ساختارهای نظری در بافت و موقعیت عملی و واقعی است، کاربردی به‌شمار می‌رود. این پژوهش قیاسی و با به‌آزمون گذاشتن فرضیه‌ها

به پیش می‌رود و با روش توصیفی و پیمایش هدایت شده به انجام می‌رسد. روش پیمایشی به بررسی توصیفی وضع حاضر می‌پردازد و پیمایش هدایت شده معمولاً از طریق نمونه‌گیری، برای گردآوری اطلاعات براساس واقعیت‌های عینی و ذهنی، به کار گرفته می‌شود (میرزایی ۱۳۸۸: ۹۵).

۲.۷ جامعه، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه تحقیق دانشجویان تمام‌وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در نظر گرفته شده که براساس دریافت اطلاعات از معاونت آموزشی دانشگاه ۱۲۸۲۰ نفر دانشجوی را در بر می‌گیرد. حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول برآورد یامانی $n = \frac{Z^2 p q}{1 + N p q}$ با ضریب اطمینان ۰/۹۵ و با سطح دقت ۰/۰۵ به تعداد ۳۸۸ نفر برآورد شده است که برای اطمینان بیشتر، این مقدار به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد که اختصاص نمونه‌ها به طبقه‌های گوناگون در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱. طبقه‌بندی نمونه دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن براساس دانشکده‌ها در سال تحصیلی ۹۶-۹۵

نام دانشکده	تعداد دانشجویان دانشکده	درصد	سهمیه
ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه	۶۳۷	۵	۲۰
علوم تربیتی و مشاوره	۲۶۹۰	۲۱	۸۴
فنی و مهندسی	۳۴۲۷	۲۶/۷	۱۰۷
روان‌شناسی و علوم اجتماعی	۲۳۸۳	۱۸/۶	۷۴
گروه کاردانی پیوسته	۲۳	۰/۲	۱
معماری	۲۸۳۴	۲۲/۱	۸۸
کشاورزی	۸۲۶	۶/۴	۲۶
جمع کل	۱۲۸۲۰	۱۰۰	۴۰۰

۳.۷ ابزار پژوهش

ابزار پژوهش پرسش‌نامه است. این پرسش‌نامه ساخته پژوهش‌گر و دارای سه قسمت است. قسمت اول، متغیرهای زمینه‌ای و دربرگیرنده ۲۰ پرسش و قسمت دوم، درباره فرهنگ

صلح و شامل ۲۵ پرسش و قسمت سوم، دربارهٔ خشونت خانگی و شامل ۳۳ پرسش از نوع طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بود. درکل از پرسش‌نامه ۷۸ گویه‌ای برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شد که با تفکیک متغیر و مؤلفه و شاخص در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. پرسش‌نامه به تفکیک مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن

متغیر	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
فرهنگ صلح	تفاهم و تعاملات سالم خانواده	ذهنیت مردسالاری، طبقه، درآمد، شغل، تحصیلات، رابطهٔ دوستانه، برابری جنسیتی، صبر و شکیبایی، احترام به حقوق یک‌دیگر، گفت‌وگو و مذاکره، آزادی ابراز عقاید، همکاری و مشارکت، استقلال و آزادی، احترام به عقاید خانواده
	حمایت اجتماعی	حمایت و پشتیبانی، حمایت از حقوق زنان و کودکان و سالمندان،
	توانایی حل منازعات	تساهل و مدارا، توانایی حل منازعات و اختلافات
	عدم سوءظن	انصاف، عدالت، عفو و گذشت، عدم سوءظن، اعتماد
پایبندی ابزار	خشونت فرهنگی	محدودیت در تماس‌های تلفنی و رفت‌وآمد، ممانعت از اشتغال، محدودکردن برای ادامهٔ تحصیل، محدودکردن روابط خویشاوندی و دوستانه و اجتماعی
	خشونت روحی - روانی	تهدید به ترک خانه، تهدید به خودکشی، تهدید به ازدواج مجدد، متهم کردن همسر به ارتباط با دیگری، اجبار به کارهای خلاف عرف و شرع و قانون، تهدید و شکایت به پلیس، ممانعت از نگهداری فرزندان، ازدواج مجدد، امتناع از طلاق دادن
	خشونت کلامی	کلام رکیک و دشنام، تحقیر و تمسخر، سکوت آزاردهنده، منت نهادن مداوم بر همسر، سرزنش‌های روانی پی‌درپی
	خشونت اقتصادی	اجبار برای فروش اموال همسر، نپرداختن مخارج خانه و پول کافی، قراردان خانواده در تنگنای مالی
	خشونت فیزیکی	محروم کردن همسر از غذا، کشیدن یا هل دادن، کتک‌زدن با مشت و لگد یا سیلی، اخراج همسر از خانه، رعایت نکردن بهداشت زناشویی، اجبار به سقط جنین، اجبار به حاملگی ناخواسته، محکم کوبیدن در، به هم‌زدن سفره

۱.۳.۷ اعتبار و پایایی ابزار

اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار محتوا مشخص شد. مقدار متوسط اعتبار محتوا یعنی CVR ۰/۳۳۷ درصد به دست آمد که احراز اعتبار محتوا را نشان می‌دهد. هم‌چنین، پایایی ابزار پژوهش از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شد که ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس فرهنگ صلح ۰/۹۲۷ درصد و برای مقیاس خشونت خانگی ۰/۹۳۲ درصد بود که حاکی از پایایی بالای ابزار است.

۲.۳.۷ نحوه تحلیل داده‌ها

برای تحلیل و توصیف داده‌ها، از جدول‌های میانگین و انحراف معیار و برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزار Lisrel استفاده شد.

۸. یافته‌های پژوهش بین متغیرها

۱.۸ یافته‌های توصیفی

۱.۱.۸ توصیف خشونت خانگی و عوامل آن

جدول ۳. توصیف خشونت خانگی و عوامل آن

درصد	انحراف استاندارد	میانگین	خشونت خانگی
	۰.۹۲	۱.۷۸	خشونت فرهنگی
	۱.۰۲	۲.۱۵	خشونت روحی - روانی
	۰.۹۲	۱.۹۳	خشونت کلامی
	۰.۹۸	۱.۷۲	خشونت اقتصادی
	۰.۹۱	۱.۶۶	خشونت فیزیکی
۳۶.۹۶	۰.۶۹	۱.۸۴	کل

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین خشونت خانگی و عوامل آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن از ۱/۶۶ درصد، برای خشونت فیزیکی، تا ۲/۱۵ درصد برای خشونت روحی - روانی بود. بنابراین، میانگین خشونت خانگی و عوامل آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن ۳۶.۹۶ شد که کم‌تر از حد متوسط بوده است.

۲.۱.۸ توصیف فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن

جدول ۴. توصیف فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن

انحراف استاندارد	میانگین	فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن
۰.۷۰	۳.۶۳	تفاهم و تعاملات سالم خانواده
۰.۷۶	۳.۵۵	حمایت اجتماعی
۰.۸۹	۳.۵۸	توانایی حل منازعات
۰.۷۴	۳.۵۸	عدم سوءظن
۰.۶۵	۳.۵۹	کل

باتوجه به نتایج جدول ۴، میانگین فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن از ۳/۵۵ درصد، برای حمایت اجتماعی، تا ۳/۶۳ درصد، برای تفاهم و تعاملات سالم خانواده، بود. بنابراین، میانگین فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن در والدین دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن بیش تر از حد متوسط بود.

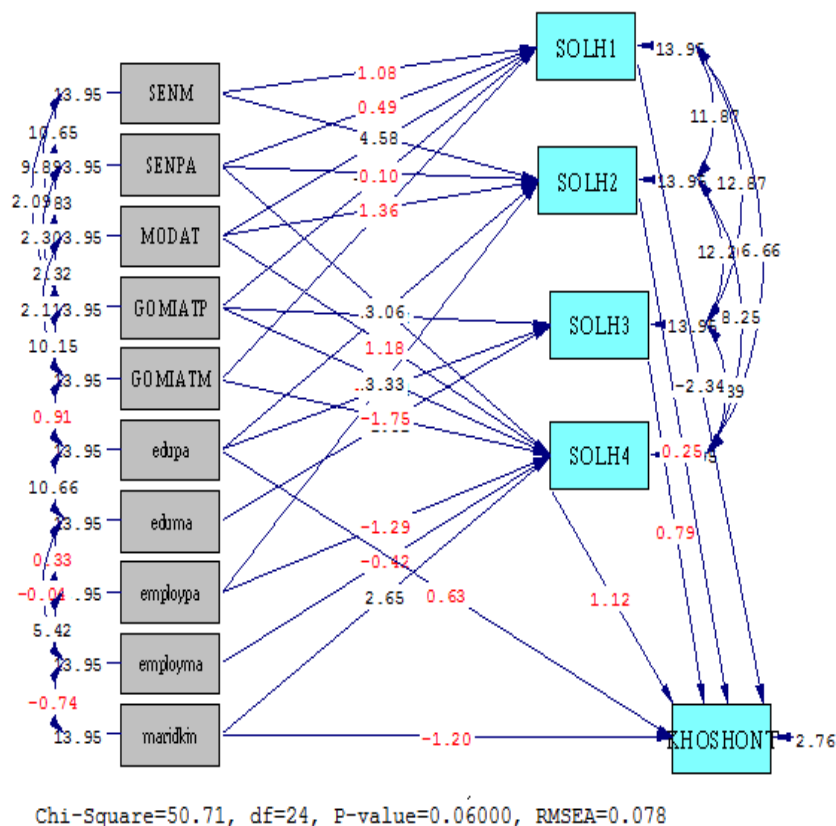
۲۸ یافته‌های بخش استنباطی

باتوجه به این که مؤلفه‌های فرهنگ صلح در نقش میانجی متغیرهای مستقل دموگرافیک (Demographic) با متغیر وابسته خشونت در نظر گرفته شده است، درواقع یک مدل مفهومی تحلیل مسیر مدنظر است. برای پاسخ از تحلیل مسیر (path analysis) و نرم‌افزار لیزرل (Lisrel) نسخه ۸/۷ استفاده شد. مدل به وسیله ترسیم روابط بین متغیرهای اندازه‌گیری شده تدوین شد. سپس، شاخص‌های برازندگی مدل محاسبه و ارزیابی شد. شاخص‌های برازندگی (fit index) از قبیل مجذور کای نرم شده (χ^2/df)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI)، RMSEA به کار گرفته شد و نتایج به دست آمده از شاخص‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌های برازندگی	χ^2	Df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
مقادیر شاخص‌ها	۵۰/۷۱	۲۴	۲/۱۱	۰/۰۷۸	۰/۹۷	۰/۸۷	۰/۹۷

براساس جدول ۵، شاخص‌های برازندگی نشان داد که مجذور کای نرم شده برای مدل در این پژوهش ۲/۱۱ بود که برازندگی قابل قبول مدل با داده را بیان می‌کند. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹ درصد و شاخص برازندگی (GFI) ۰/۹۷ درصد و شاخص تعدیل شده برازندگی (AGFI) ۰/۸۷ درصد و RMSEA ۰/۰۷۸ درصد بود که براساس این مقادیر، می‌توان گفت که مدل به دست آمده برازش مناسبی با داده‌ها دارد، ولی همان‌طور که نمودار ۳ نشان می‌دهد، بعضی از ضرایب معنادارند. مدل به انضمام ضرایب مسیر t به شکل زیر بود (نمودار ۳).



نمودار ۳. مدل به انضمام مقادیر t برای معناداری ضرایب مسیر

باتوجه به نمودار ۳ می‌توان گفت:

۱. از مؤلفه‌های فرهنگ صلح، فقط تفاهم و تعاملات سالم خانواده در خشونت خانگی تأثیر منفی و معنادار داشت ($P < 0/05$)، $t = -2/34$ ، مقدار t برای ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۲ بود).
۲. از ویژگی‌های دموگرافیک، سن مادر در حمایت اجتماعی، از مؤلفه‌های فرهنگ صلح، تأثیر مثبت و معنادار داشت ($P < 0/05$)، $t = 4/58$ ، مقدار t برای ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۲ بود). یعنی هرچه سن مادر بیشتر باشد، احساس حمایت و پشتیبانی بیشتری می‌کند.
۳. از ویژگی‌های دموگرافیک، قومیت پدر در توانایی حل منازعات، از مؤلفه‌های فرهنگ صلح، تأثیر مثبت و معنادار داشت ($P < 0/05$)، $t = 3/06$). این یافته بیان‌گر این است که مازنی و گیلک توانایی حل منازعات بیشتری دارند.

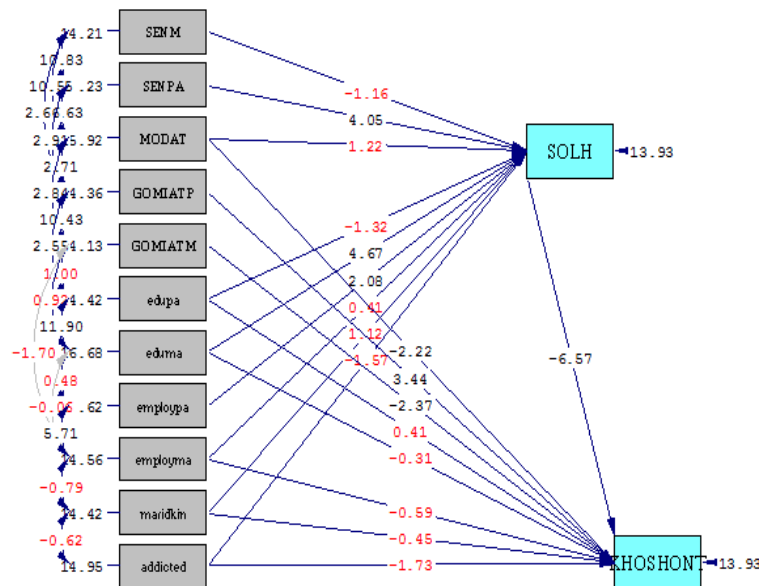
۴. از ویژگی‌های دموگرافیک، نوع ازدواج در عدم‌سوءظن، از مؤلفه‌های فرهنگ صلح، تأثیر مثبت و معنادار داشت ($t= ۲/۶۵$ ، $P < ۰/۰۵$). این یافته بدین معناست که در ازدواج سستی سوءظن و بدگمانی بیش‌تر است.

۵. ضرایب در بقیه مسیرها معنادار نبود.

جدول ۶. شاخص‌های برازندگی مدل

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	Df	χ^2	شاخص‌های برازندگی
۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۹	۰/۰۴۷	۱/۴۹	۴۲	۶۲/۸۱	مقادیر شاخص‌ها

بر اساس جدول ۶، شاخص‌های برازندگی مورد بررسی نشان داد که مجذور کای نرم‌شده برای مدل در این پژوهش ۱/۴۹ درصد بود که بیان‌گر برازندگی قابل قبول مدل با داده است. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) بالاتر از ۰/۹ درصد و شاخص برازندگی (GFI) ۰/۸۹ درصد و شاخص تعدیل‌شده برازندگی (AGFI) ۰/۸۴ درصد و هم‌چنین RMSEA ۰/۰۴۷ درصد بود. بنابراین، می‌توان گفت که مدل به‌دست‌آمده برازش مناسبی با داده‌ها دارد، اما هم‌چنان‌که ضرایب در نمودار ۴ نشان می‌دهد، بعضی از ضرایب معنادارند. مدل به انضمام ضرایب مسیر t به شکل زیر بود (نمودار ۴).



Chi-Square=62.81, df=42, P-value=0.09000, RMSEA=0.047

نمودار ۴. مدل به انضمام مقادیر t برای معناداری ضرایب مسیر

به اعتبار نمودار ۴ می‌توان گفت:

۱. فرهنگ صلح در خشونت خانگی تأثیر منفی و معنادار داشت ($P < ۰/۰۵$ ، $t = -۶/۵۷$)
 t مقدار t برای ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۲ بود.
۲. از ویژگی‌های دموگرافیک، سن پدر در فرهنگ صلح تأثیر مثبت و معنادار داشت ($P < ۰/۰۵$ ، $t = ۴/۰$)، مقدار t برای ضریب مسیر بزرگ‌تر از ۲ بود. یعنی هرچه سن پدر بیشتر باشد، فرهنگ صلح او بیشتر می‌شود.
۳. از ویژگی‌های دموگرافیک، سواد پدر و مادر در فرهنگ صلح تأثیر مثبت و معنادار داشت.
۴. ($P < ۰/۰۵$ ، $t = ۲/۰۸$ ، $t = ۴/۶۷$) این یافته نشان می‌دهد که پدر و مادر باسواد فرهنگ صلح بیشتری دارند.
۵. از ویژگی‌های دموگرافیک، مدت ازدواج و قومیت پدر و مادر در خشونت خانگی تأثیر مستقیم و معنادار داشت ($t > ۲$). مدت ازدواج در خشونت خانگی تأثیر مثبت داشت. هرچه مدت ازدواج بیشتر باشد، خشونت کم‌تر می‌شود.
۶. ضرایب در بقیه مسیرها معنادار نبود.

۹. نتیجه‌گیری

مقیاس فرهنگ صلح سازه‌ای چهارعاملی به نام‌های تفاهم و تعاملات سالم خانواده، حمایت اجتماعی، توانایی حل منازعات، و عدم سوءظن بود. نتایج پژوهش‌های انصاری (۱۳۸۴)، برون تایلر (۱۸۳۲-۱۹۱۷) نیز فرهنگ صلح را سازه‌ای چندعاملی نشان می‌دهد. از پرسش‌نامه خشونت خانگی ۵ عامل خشونت فرهنگی، خشونت روحی - روانی، خشونت کلامی، خشونت اقتصادی، خشونت فیزیکی حاصل شد. نتیجه این پژوهش با پژوهش‌های اعزازی (۱۳۸۰)، رام‌پناهی (۱۳۸۰)، رفیعی‌فر (۱۳۷۸)، رونالد بلک برن (۱۹۹۶)، قاضی طباطبایی و دیگران (۱۳۸۳) با ابعاد یا عوامل کسب‌شده خشونت خانگی هم‌خوانی داشت.

تأثیر وابستگی والدین به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر، قومیت پدر و مادر، مدت ازدواج، سن پدر، سن مادر در میزان خشونت معنادار بود. در آزمون نقش متغیرهای زمینه‌ای یا همان تحصیلات، شغل، قومیت، نوع ازدواج، اعتیاد، مدت ازدواج، سن، در میزان خشونت خانگی باید گفت که نوع ازدواج و تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر در میزان

خشونت تأثیر معنادار نداشت. اما، تأثیر وابستگی پدر یا مادر به مشروبات الکلی و مواد مخدر، شغل پدر و قومیت پدر و مادر، مدت ازدواج، سن پدر و سن مادر در میزان خشونت معنادار بود. رابطه مدت ازدواج و سن پدر و سن مادر با خشونت منفی و معنادار بود. در واقع، والدین وقتی جوان‌ترند، بیش‌تر خشونت در خانواده دیده می‌شود. پدرانی که شغل رسمی داشتند خشونت بیش‌تر و پدران بازنشسته خشونت کم‌تری اعمال می‌کردند. در خانواده‌هایی که پدر آذری بود خشونت بیش‌تر و وقتی پدر گُرد بود خشونت کم‌تر بود. در خانواده‌هایی که مادر آذری بود خشونت بیش‌تر و وقتی مادر فارس بود، خشونت کم‌تر. نتایج الهوردیان (۱۳۸۴)، دابیل و استراوس (۱۹۸۰)، ملیحه مرعشی (۱۳۸۳)، کلانتری و حمیدیان (۱۳۸۷)، قاضی طباطبایی، محسنی تبریزی و دیگران (۱۳۸۲)، منیژه شهنی بیلاق (۱۳۷۶) با این پژوهش هم‌سو بود. نظریه پیترسی، نظریه منابع و نظریه فمینیست‌ها به بررسی شغل برای تبیین مسئله خشونت پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر نیز، شغل در جایگاه عوامل تأثیرگذار در خشونت علیه زنان بررسی شد. نتایج نشان داد که خشونت علیه زنان در بین زنانی که همسرشان شغل اداری دارد در مقایسه با بقیه بیش‌تر است. نتیجه به‌دست‌آمده در راستای تحقیقات دابیل و استراوس (۱۹۸۰)، محسن مارابی (۱۳۸۴)، دولتیان و همکاران (۱۳۸۷)، رافائل و تولمن (۱۹۹۷)، ماریا روی (۲۰۰۱) و ارجمند (۱۳۸۹) قرار دارد. هم‌چنین خشونت علیه زنان در بین زنانی که همسرشان معتاد است بیش‌تر است. این نتیجه در راستای تحقیقات استیکلی و دیگران (۲۰۰۸)، ارجمند (۱۳۸۹)، نازپرور (۱۳۷۶) و تحقیق بگرضایی (۱۳۸۲) قرار می‌گیرد. نظریه پیترسی اذعان می‌دارد که صفات فردی از عوامل تأثیرگذار در خشونت خانگی است (رفیع‌پور ۱۳۷۸). از جمله این صفات فردی که در این پژوهش بررسی شد، سن پاسخ‌گویان بود که در این راستا نتایج آزمون فرضیات نشان داد که با افزایش سن پاسخ‌گویان، میزان خشونت خانگی کاهش می‌یابد. این نتیجه در راستای تحقیقات مک کلی و همکاران (۱۹۹۵) و محسن مارابی (۱۳۸۴) قرار می‌گیرد. در خصوص مدت سپری‌شده از ازدواج همان‌طور که در بخش آزمون فرضیات دیدیم، با افزایش مدت ازدواج، از خشونت خانگی کاسته می‌شود. این نتیجه از آزمون این فرضیه در راستای نتایج پژوهش‌های منیژه شهنی بیلاق (۱۳۷۶)، ماریا روی (۲۰۰۱)، قاضی طباطبایی و دیگران (۱۳۸۲) قرار می‌گیرد. هم‌چنین نتیجه تحلیل مسیر، تأثیر ویژگی‌های دموگرافیک از طریق فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن در خشونت خانگی نیز نشان داد که فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن در خشونت خانگی تأثیر منفی و معنادار داشت و نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های کندی (۱۹۹۹)، ناجی (۱۳۸۷)، انصاری (۱۳۸۴)،

خانیکی (۱۳۸۴)، زنگنه (۱۳۸۰)، اعظم زاده و دهقان فرد (۱۳۸۵)، ماریا روی (۲۰۰۱) و هم‌چنین پژوهش‌های تانگ (۲۰۰۳) و جارکو (۲۰۰۴) هم‌سو بود.

رابطه بین فرهنگ صلح و مؤلفه‌های آن با خشونت خانگی معنادار بود. در واقع، اگر مؤلفه‌های فرهنگ صلح (تفاهم و تعاملات سالم خانواده، حمایت اجتماعی، توانایی حل منازعات، عدم سوءظن) در خانواده بیش‌تر باشد، خشونت خانگی کم‌تر می‌شود. برای آزمون نقش مؤلفه‌های فرهنگ صلح بر خشونت خانگی از تحلیل ساختاری مسیر استفاده شد. توانایی حل منازعات، عدم سوءظن، تفاهم و تعاملات سالم خانواده وارد معادله شد که رابطه این سه مؤلفه با خشونت فرهنگی ۴۰۵ درصد بود. در واقع، میزان تأثیر این سه مؤلفه در خشونت فرهنگی ۱۶/۴۰ درصد بود. نتایج این پژوهش تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ صلح بر خشونت خانگی در خانواده را منفی و معنادار نشان داد. نتایج پژوهش‌های علی وردی‌نیا، اسفندیاری و راحی (۱۳۸۹)، سعید ناجی (۱۳۹۲)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۳) و جارکو (۲۰۰۴) با این پژوهش هم‌سو بود.

محور این پژوهش بر این اساس است که کاربرد خشونت را نباید خصوصیت انسانی و یک واقعیت اجتماعی در غریزه انسانی دانست، بلکه نتایج مطالعات انسان‌شناسان معاصر، به‌گفته مارگارت مید (Margaret Mead)، تأکید دارد که کاربرد خشونت فقط ابداع فرهنگی است که انسان‌ها در اجتماع آموخته‌اند. یعنی به‌نظر می‌رسد که کم‌یابی بعضی منابع عاملی بوده است که انسان‌ها با ابداع خشونت، برای دستیابی به هدف خود، مبادرت به آن کرده‌اند. از این‌رو، کاربرد خشونت پدیده فطری و طبیعی نیست، بلکه برساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است. یعنی برساخته‌شدن آن توسط سازمان اجتماعی و خودکنش‌گران. در تأیید نظر مارگارت مید، سینیسا مالسویچ (Sinisa Malesevic) در جامعه‌شناسی خشونت و قساوت سازمان‌یافته تأکید می‌کند که خشونت الزاماً پدیده‌ای بیولوژیک نیست، بلکه محصول روابط اجتماعی است (Malesevic 2017: 173). به‌عبارتی، همان‌گونه که برگر و لاکمن گفته‌اند هیچ‌گونه ذات یا سرشت انسانی به مفهوم بنیاد جوهری از لحاظ زیستی ثابتی که تغییرپذیری شکل‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی را تعیین کند وجود ندارد. پس، اگر خشونت برساخته اجتماعی و ابداع فرهنگی انسان‌هاست، می‌توان با بازتعریف و حذف عناصر مخرب و منفی این ابداع فرهنگی (کاربرد خشونت) مؤلفه‌های فرهنگ صلح را جای‌گزین خشونت و جنگ کرد و به تحول فرهنگی دست یافت تا مفهوم صلح و مؤلفه‌های آن نزد کنش‌گران به فرهنگ تبدیل شود و در ذهن آنان نهادینه شود. به‌شکلی که کنش‌گران با مواجهه با شرایط تنش‌زا به‌جای تفکر کاربرد

خشونت، رفتارهای جانشین یا بدیلی هم‌چون تساهل و مدارا، تحمل، درک و فهم متقابل، دگرپذیری، احترام به حقوق همگان، گفت‌وگو و مذاکره، توانایی حل منازعات را در پیش بگیرند و رویکردی نوین برای نفی و یا کاهش خشونت و جنگ پیش روی انسان‌ها قرار گیرد. چون همان‌گونه که بلومر می‌گوید نظریه‌کنش متقابل نمادین بر این مسئله متمرکز شده است که مردم چه معنایی را برای کنش متقابل با دیگران یافته‌اند؛ البته باید توجه داشت که نظریه‌برساخت‌گرایی ذهنیت و کنش متقابل در موقعیت تعیین‌کننده است و از این رو، باید ذهنیت در زمان اجتماعی شدن به گونه‌ای شکل بگیرد و برساخته شود که در آن صلح به فرهنگ تبدیل شود و در برساخت واقعیت به صورت گفت‌وگویی و تعاملی عمل کند.

کتاب‌نامه

- ارجمند سیاهپوش، اسحق و فریال عجم دشتی‌نژاد (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر اهواز»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، س ۱، ش ۲.
- اسپنسر، هربرت و دیگران (۱۳۸۲)، *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۷)، «خشونت خانگی بازتاب ساختار جامعه»، *زنان*، ش ۵۰.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *خشونت خانگی*، تهران: سالی.
- اعظم‌زاده، منصوره و راضیه دهقان‌فرد (۱۳۸۵)، «خشونت علیه زنان در تهران: رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۱۴.
- الهوردیان عیدی، محمد (۱۳۸۴). *بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نقده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴)، *دموکراسی گفت‌وگویی؛ امکانات دموکراتیک اندیشه‌های میخائیل باختین و یورگن هابرماس*، تهران: مرکز.
- آبراهامز، جی. اچ. (۱۳۶۳)، *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی فرهنگ*، تهران: علم.
- برگر، پیتر ال. و توماس لوکمان (۱۳۷۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی تجدد»، *مجله نقد و نظر*، ش ۹.
- بگرضایی، پرویز (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۳)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: مرندیز، تهران: بهمن برنا.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۳)، *هربرت بلومر و کنش متقابل‌گرایی نمادی؛ نگاه اول*، تهران: بهمن برنا. خانیکی، هادی (۱۳۸۴)، «گفت‌وگوی تمدن‌ها زمینه‌ها و چشم‌انداز پیدایش یک نظریه»، در: مجموعه مقالات *گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ مبانی مفهومی و نظری*، تهران: دانشگاه تهران.

دولتبان، ماهرخ و دیگران (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه خشونت در بارداری با افسردگی پس از زایمان»، *فصل‌نامه علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ش ۲.

رام‌پناهی، ناهیداعظم (۱۳۸۴)، *خشونت علیه زنان و بازتاب آن در مطبوعات با استفاده از اخبار و مطالب مندرج در روزنامه‌های سال ۱۳۸۲*، تهران: شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، روابط عمومی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنانومی جامعه؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

رفیعی‌فر، شهرام و سعید پارسی‌نیا (۱۳۸۰)، *خشونت علیه زنان*، تهران: تندیس.

روی، ماریا (۱۳۷۷)، *زنان کتک‌خورده؛ روان‌شناسی خشونت در خانواده*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: علمی.

ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی. زنگنه، محمد و حبیب احمدی (۱۳۸۴)، *بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده؛ مطالعه موردی شهر شیراز*، ج ۳: *پرخاش‌گری و جنایت*، تهران: آگه.

شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۷۶)، «رابطه برخی عوامل جمعیت‌شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۱ و ۲. علی‌وردی‌نیا، اکبر، محمداسماعیل ریاحی، و فاطمه اسفندیاری (۱۳۸۹)، «تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان؛ آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی»، *مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱.

فتحی، شهین (۱۳۸۷)، *بررسی نگرش زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر کرمانشاه نسبت به خشونت خانگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سندج: گروه علوم اجتماعی دانشگاه کردستان.

قاسمی، منا، مجتبی صدقاتی فرد، و علیرضا پیرخائفی (۱۳۹۳)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده با تأکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده»، *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ش ۱۵.

قاضی طباطبایی، محمود و دیگران (۱۳۸۳)، *بررسی پدیده خشونت خانگی در ۲۸ مرکز استان کشور*، طرح ملی.

کار، مهرانگیز (۱۳۸۰)، *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان. کلاتری، صمد و اکرم حمیدیان (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت‌های خانگی؛ با تأکید بر خشونت علیه زنان در شهر اصفهان»، *توسعه اجتماعی*، ش ۴.

مارابی، محسن (۱۳۸۴)، بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان کردستان: مطالعه موردی شهرستان کامیاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

مرعشی، ملیحه (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر بر تحمل خشونت (همسر آزاری) در زنان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

مولاوردی، شهین‌دخت (۱۳۷۸). «علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان»، حقوق زنان، س ۳، ش ۱۰.

مید، مارگارت (۱۳۸۲)، آدمیان و سرزمین‌ها، ترجمه علی‌اصغر بهرامی، تهران: نشر نی.

میرزایی، خلیل (۱۳۸۸)، پژوهش، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه‌نویسی، تهران: جامعه‌شناسان.

ناجی، سعید (۱۳۸۷)، کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ناجی، سعید و سمیه خطیبی مقدم (۱۳۹۲)، «آموزش تفکر به کودکان راهی برای دستیابی به صلح جهانی»، تفکر و کودک، س ۱، ش ۲.

نازپرور، بشیر (۱۳۷۶)، عوامل مؤثر در همسر آزاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

یونسکو (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه؛ ره‌یافت مردم‌شناختی توسعه، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Denzin, N. K. and Y. S. Lincoln (eds.) (2005), *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Thousand Oaks, London, New Delhi: Sage.

Malesevic, Sinisa (2017), *The Rise of Organized Brutality*, London: Cambridge University Press.

UNESCO (2007), *Philosophy, A School of Freedom*, Paris: UNESCO.

UNESCO (2013), *Education for a Culture of Peace in a Gender Perspective*, Paris: UNESCO.

United Nations General Assembly (2000), "United Nations Year of Dialogue among Civilizations", <www.un.org/A/RES/55/23.pdf>.

